

An Investigation into the Possible Causes of Quantitative and Qualitative Decline in Submissions to Iranian Agricultural Science Journals

I. Habiballah Hamzehzarghani[✉]*: Plant Protection Department, College of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran

*Corresponding Author's Email Address: zarghani@shirazu.ac.ir

Article Type:

Letter to the Editor

Received: 10 June 2025

Revised: date: 15 September 2025

Accepted: 17 September 2025

How to Cite: Hamzehzarghani, H. (2024). An Investigation into the Possible Causes of Quantitative and Qualitative Decline in Submissions to Iranian Agricultural Science Journals. *Iranian Journal of Plant Pathology*, 60(3), 215-222.

DOI: [10.22034/IJPP.2025.2021854.486](https://doi.org/10.22034/IJPP.2025.2021854.486)

Abstract:

In recent years, many Iranian agricultural science journals are faced with alarming decline in quantity and quality of submitted manuscripts. This trend threatens not only the durability of scientific publishing but also the credibility and sustainability of these journals. In this letter, several possible structural and internal causes are briefly discussed. Major contributing factors include the reduced appeal of agricultural disciplines to talented students, lowered research funding, and the growing gap between academia and the practical needs of the agricultural sector. At the journal level, interest in full research papers, lengthy and sluggish review processes, and limited scientific critical interaction around journals are among the factors contributing to the crisis. The consequences of this trend on graduate education, international credibility, and the contributions of young researchers are discussed. Solutions for revising editorial policies, diversifying article types, publishing special issues, and fostering active academic communication are suggested. This letter aims to stimulate constructive discussion toward revitalizing Iran's agricultural science journals.

Keywords: Scientific journals; agriculture; quantitative and qualitative decline



© 2024 the authors. Published by Maher Publishing Institute. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

بررسی علل احتمالی کاهش کمی و کیفی مقالات ورودی به مجلات علمی حوزه کشاورزی ایران

۱. حبیب الله حمزه زرقانی¹: بخش گیاهپزشکی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: zarghani@shirazu.ac.ir

نوع مقاله:

چکیده

نامه به سردبیر

در سال‌های اخیر، بسیاری از مجلات علمی در حوزه کشاورزی ایران با کاهش هشدار آمیز تعداد و کیفیت مقالات ارسالی مواجه شده‌اند. این روند، نه تنها سبب اختلال در چرخه تولید علم در این حوزه شده، بلکه اعتبار و پایداری مجلات تخصصی را نیز با خطر مواجه ساخته است. در این مقاله، با رویکردی تحلیلی و مستند، به برخی علل ساختاری و درونی این پدیده پرداخته شده است. از جمله عوامل کلان می‌توان به کاهش جذابیت رشته‌های کشاورزی برای دانشجویان نخبه، افت حمایت‌های مالی پژوهشی، و گسست میان نظام آموزش عالی و نیازهای واقعی بخش کشاورزی اشاره کرد. در سطح مجلات نیز عواملی چون گرایش به پذیرش مقالات پژوهشی کامل، کند و طولانی بودن فرآیند داوری، و نبود بستر تعاملی پیرامون مجله، در این بحران مؤثر بوده‌اند. پیامدهای این روند بر آموزش تحصیلات تکمیلی، اعتبار بین‌المللی، و مشارکت پژوهشگران جوان مورد بحث قرار گرفته است. در پایان، راهکارهایی نظیر بازنگری در سیاست‌های پذیرش مقالات، تنوع‌بخشی به انواع مقالات و زمینه‌های علمی مقالات، انتشار شماره‌های ویژه، و ارتقاء تعامل علمی پیشنهاد می‌شود. این مقاله تلاش می‌کند با آغاز گفتگویی آگاهانه در جامعه پژوهشگران کشاورزی، زمینه بازسازی جایگاه مجلات کشاورزی ایران را فراهم آورد.

تاریخ دریافت: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۴ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۶ شهریور ۱۴۰۴

نحوه استناددهی: حمزه زرقانی، حبیب‌الله. (۱۴۰۳). بررسی علل احتمالی کاهش کمی و کیفی مقالات ورودی به مجلات علمی حوزه کشاورزی ایران. *بیماری‌های گیاهی*، ۶۰(۳)، ۲۱۵-۲۲۲.

DOI: 10.22034/IJPP.2025.2021854.486



مجوز و حق نشر: © ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله توسط انتشارات ماهر به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.

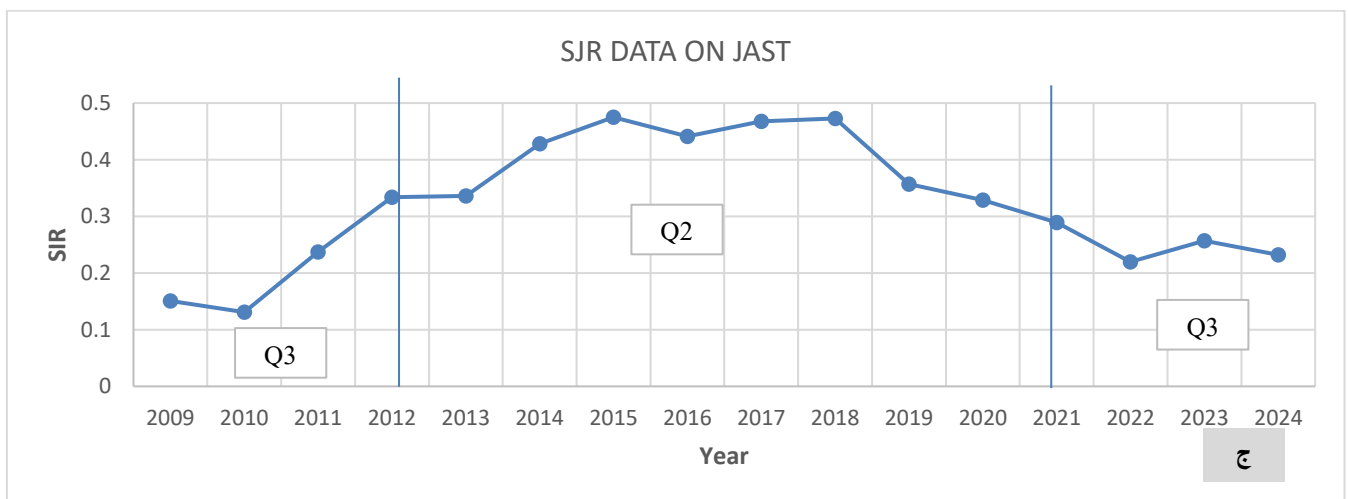
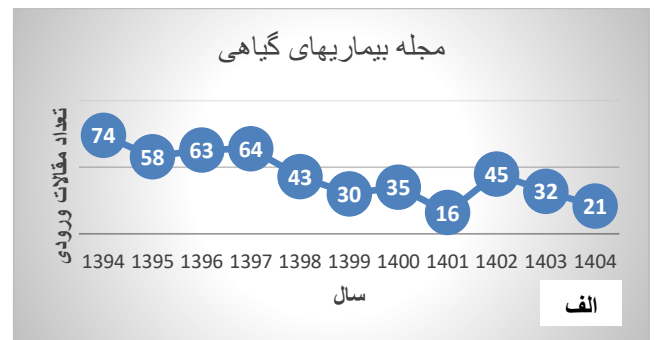
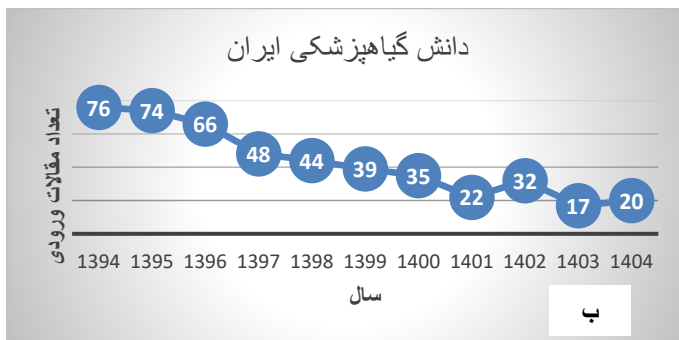
کلیدواژه‌گان: مجلات علمی، کشاورزی، کاهش کمی و کیفی

حمزه زرقانی: بررسی علل احتمالی کاهش کمی و کیفی مقالات ورودی به مجلات علمی...

مقدمه

حتی بحران کرده که می‌تواند تداوم و اعتبار آن‌ها را به‌طور جدی تهدید کند. در حالی که دلایل این روند متنوع و پیچیده‌اند، در این مقاله تلاش شده است با رویکردی تحلیلی و مستند، زوایای پنهان‌تر این بحران بررسی شود. این نوشتار بر ترکیب عوامل بیرونی (کاهش جذابیت رشته، بودجه ناکافی، و ضعف سیاست‌گذاری علمی) و درونی (محدودیت‌ها در پذیرش مقاله، انفعال ساختاری مجلات و نبود شبکه علمی فعال) متمرکز خواهد بود. همچنین، تلاش می‌شود راهکارهایی عمل‌گرا و متناسب با واقعیات آموزش عالی و نظام پژوهش کشور ارائه شود تا ترسیم نقشه راه برای اصلاح نظام علمی و ساختارها و فرآیندهای مرتبط با نشر دانش در عرصه آموزش عالی و پژوهش آسانتر شود.

نقش نشریات علمی فراتر از بستری برای نشر یافته‌های پژوهشی است و جایگاه مهمی در آموزش پژوهشگر، شکل‌دهی گفتمان علمی، و حفظ انسجام جامعه علمی دارند. مجلات تخصصی کشاورزی، به‌ویژه در حوزه علوم پایه‌ای نظیر بیماری‌شناسی گیاهی، سال‌ها در ارتقاء دانش بومی و پاسخ به چالش‌های میدانی کشاورزان نقش آفرینی داشته‌اند. با این حال، به آرامی نشانه‌های آشکاری از کاهش تعداد مقالات ورودی (شکل ۱ الف و ب)، کیفیت علمی (شکل ۱ ج)، و دشواری در داوری و انتشار مقالات ورودی در حال آشکار شدن است. گزارش‌های داخلی و داده‌های تجربی هیئت‌های تحریریه نیز این نگرانی را تأیید می‌کنند. این وضعیت، مجلات را وارد مرحله‌ای از رکود یا



شکل ۱: کاهش تعداد مقالات ورودی مجله بیماریهای گیاهی ایران (الف) و مجله دانش گیاهپزشکی ایران (ب) در دهه منتهی به سال ۱۴۰۴ (ب) منبع

اطلاعات مکاتبه شخصی با مدیر داخلی و سردبیر مجلات) و نمونه‌ای از کاهش کیفیت علمی مجله JAST (ج) بر اساس شاخص Q (منبع:

(<https://www.scimagojr.com/journalsearch.php?q=18800156710&tip=sid&clean=0>)

۱- علل ساختاری و کلان کاهش مقالات علمی در مجلات کشاورزی ایران

چهار عامل ساختاری کاهش جذابیت رشته‌های کشاورزی، افت حمایت مالی از پژوهش، گسست دانشگاه و میدان، و نبود سیاست تمرکز نشر علمی، به صورت هم‌افزا باعث کاهش کمی و کیفی مقالات در مجلات کشاورزی ایران شده‌اند. در چنین فضایی، بار اصلی بر دوش مجلاتی قرار گرفته که خود نیز با کمبود منابع، داور، و پشتیبانی نهادی مواجه‌اند. بنابراین کاهش ورودی مقالات علمی به مجلات تخصصی کشاورزی را نمی‌توان صرفاً به عملکرد مجلات نسبت داد و ریشه‌های این بحران به عوامل کلان‌تری در سطح آموزش عالی، ساختار پژوهش، سیاست‌گذاری ملی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی حوزه کشاورزی بازمی‌گردد، که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۱- کاهش جذابیت رشته‌های کشاورزی برای دانشجویان مستعد

رشته‌های علوم کشاورزی، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، در دهه‌های گذشته با کاهش قابل‌توجهی در جذب دانشجویان رتبه‌بالا مواجه شده‌اند. نگاهی به روند انتخاب رشته در آزمون سراسری طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که گرایش به رشته‌های کشاورزی، حتی در دانشگاه‌های معتبر، کاهش یافته است. این موضوع منجر به افت کیفی ورودی‌های تحصیلات تکمیلی و در نتیجه کاهش توان تولید مقاله‌های علمی با سطح پژوهشی قابل قبول شده است. مطالعات نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر بسیاری از دانشگاه‌های کشور شاهد تقاضای کمتری از جانب داوطلبان کنکور و همچنین پذیرفته شدگان کنکور برای ادامه تحصیل در رشته کشاورزی هستند، طوریکه رشته‌های مرتبط از اولویت داوطلبان خارج شده‌اند. علاقه مندی به رشته کشاورزی در میان داوطلبان کنکور و حتی دانشجویان، پس از پذیرش در کنکور سراسری، کاهش یافته است و بسیاری از دانشجویان با وجود گذراندن برخی از واحدهای درسی در رشته کشاورزی از ادامه تحصیل انصراف داده

اند (Zarafshani et al., 2016). از سوی دیگر، نبود مسیر شغلی روشن برای فارغ‌التحصیلان کشاورزی، حتی در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری، منجر به بی‌انگیزگی در تولید علمی بلندمدت می‌شود (Shah Vali & Abedi Sarvestani, 2014).

۱-۲- ناترازی سه‌گانه در پژوهش کشاورزی: بودجه ناکافی، مشکلات

ساده، و فشار برای تولید پژوهش پیشرفته

یکی از موانع بنیادین تولید پژوهش‌های علمی اثربخش در کشاورزی ایران، ناترازی عمیقی است که میان سطح مشکلات موجود، ظرفیت حمایت مالی، و انتظارات نظام علمی از پژوهشگر شکل گرفته است. از یک سو، پژوهش‌های تحقیقاتی در اختیار دانشجویان دکتری و محققان دانشگاهی، به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر بیماری‌شناسی گیاهی، برای اجرای پروژه‌های آزمایشگاهی، میدانی یا فناوری‌محور عموماً بسیار اندک و ناکافی هستند. از سوی دیگر اجرای پژوهش‌هایی در تراز جهانی، مستلزم دسترسی به امکانات پیشرفته، مواد اولیه گران‌قیمت، و زیرساخت‌های تخصصی است که در بسیاری از دانشکده‌های کشاورزی کشور موجود نیست. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نیاز به تمرکز بر پژوهش‌های مسئله‌محور کشاورزی در اولویت برنامه‌های توسعه علم قرار گرفته، و تأکید بر پیوند دانشگاه با میدان یکی از راهبردهای کلیدی محسوب می‌شود (Vose & Cervellini, 1983).

مطابق داده‌های منتشرشده، در حالی که قرار بود تا سال ۱۴۰۴، ایران نیز با اختصاص سهم ۴ درصدی از تولید ناخالص داخلی به حوزه تحقیق و توسعه، جایگاه خوبی در این زمینه پیدا کند، عملاً شاهد هستیم که کمتر از نیم درصد از تولید ناخالص داخلی به این بخش اختصاص پیدا کرده است. در واقع سهم بودجه پژوهشی از تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی در خوشبینانه‌ترین حالت ۰.۴ یا ۰.۵ درصد است، که در مقایسه با میانگین جهانی این رقم برای کشورهای در حال توسعه (حدود ۲٪) فاصله معناداری دارد (Isna, 2020).

یکی از چالش‌های مزمن نظام آموزش عالی کشاورزی در ایران، نبود پیوند مؤثر میان دانشگاه، مزرعه و سیاست‌گذار است. در نبود رهبری علمی و شبکه‌هایی از پروژه‌های واقعی که داده‌های میدانی پایدار فراهم کنند، پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی به سمت موضوعات تکراری، آزمایش‌های گلخانه‌ای ساده یا پژوهش‌های بدون ارتباط با نیاز واقعی بخش تولید سوق یافته‌اند. این موضوع عملاً خروجی پژوهش‌ها را از چرخه علمی و انتشار مؤثر بر تولید خارج کرده است. جدا از کاهش کیفیت پایان‌نامه‌ها و به تبع آن مقالات علمی مستخرج از آنها، بر اساس یک بررسی پنج ساله روند چاپ مقاله مستخرج از تز دانشجویان پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد در حوزه کشاورزی نزولی بوده است (Pouratashi, 2020)

۱-۴- نبود سیاست واحد برای تمرکز مجلات و جلوگیری از پراکندگی

نشریات علمی

تصویب مجلات متعدد با حوزه‌های موضوعی نزدیک، در کنار نبود سیاست راهبردی برای تجمیع یا بازآرایی آنها، منجر به پراکندگی مقالات، رقابت ناسالم، و افت اعتبار مجلات کشاورزی شده است. این وضعیت از یک سو باعث کاهش تعداد مقالات دریافتی برای هر مجله، و از سوی دیگر مانع از ساماندهی و شکل‌گیری مجلات قوی و معتبر در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی شده است. (Pouris (2015) در تحلیلی از وضعیت نشر علمی در کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند که ضمن آنکه تعدد مجلات نمایه شده کشور در صورت حفظ کیفیت می‌تواند به دیده شدن بیشتر علمی کشور منتهی شوند، پراکندگی مجلات تخصصی در حوزه‌های مشابه، سبب افت کیفیت مجلات شده و مهم‌ترین مانع برای ارتقاء نمایه بین‌المللی و جذب مخاطب جهانی است (Pouris & Pouris, 2015).

ناترازی دیگری که مسیر تولید دانش را به چالش می‌کشد این است که مشکلات واقعی پیش روی کشاورزی ایران، مشکلات عموماً نه چندان پیچیده‌ی میدانی هستند؛ مانند مدیریت منطقی مصرف قارچ‌کش‌ها، شناسایی صحیح بیماری‌ها، بهبود نظام‌های پایش و پیش‌آگاهی. این مشکلات گرچه از نظر علمی پیچیده نیستند، اما پاسخ‌گویی به آنها به دلیل ضعف تعامل دانشگاه با میدان، و ناهماهنگی میان نهادهای مسئول، به چالشی مزمن بدل شده‌اند. در این راستا چاپ مقالات از گزارش‌های میدانی در نظام ارزشیابی هیات علمی از ارزش چندانی برای پژوهشگران و دانشجویان برخوردار نیست. نظام ارزیابی علمی کشور نیز سیاست‌هایی وضع کرده که مسیر متفاوتی را دنبال می‌کند و بر تولید پژوهش‌های سطح بالا، مرز دانش، و دارای قابلیت انتشار در مجلات بین‌المللی تأکید می‌کند. در نتیجه، دانشجوی دکتری یا پژوهشگر جوان برای حفظ «تراز علمی» خود، ناچار است موضوعاتی انتخاب کند که اغلب با نیازهای بومی، شرایط اجرایی موجود، و توان مالی پروژه تطابقی ندارند. این تناقض سه‌گانه باعث شده است بسیاری از پایان‌نامه‌ها و پروژه‌های پژوهشی، فاقد کیفیت علمی کافی برای تبدیل شدن به مقاله پژوهشی قوی باشند، و یا به تولید نتایجی منجر شوند که ارزش کاربردی برای کشاورزی داخلی ندارند.

برآیند این ناترازی‌ها سبب می‌شود که بازار داخلی کشاورزی به دلیل نبود ساختار مؤثر انتقال فناوری، خریدار این نوع پژوهش‌ها نباشد و حلقه نهایی انتقال دانش به مزرعه نیز ناکام مانده و چنان می‌شود که پژوهشگر، میدان عمل، و نهادهای پشتیبان، هر یک در مدار متفاوتی از نیاز و انتظار حرکت می‌کنند. بدون بازتعریف سیاست‌های حمایت مالی، اصلاح شاخص‌های ارزشیابی، و بازسازی تعامل میان دانشگاه، سیاست‌گذار و بخش تولید، خروج از این بن‌بست امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱-۳- گسست میان آموزش عالی و میدان (کشاورزی در قامت

صنعت)

۲- عوامل درونی مجلات تخصصی کشاورزی در کاهش ورودی مقالات

در کنار عوامل ساختاری کلان که در بخش پیشین مطرح شد، بخش مهمی از بحران کاهش کمی و کیفی مقالات در مجلات تخصصی کشاورزی به سیاست‌ها، ساختار اجرایی و فضای داخلی خود این نشریات بازمی‌گردد. در این بخش، چهار عامل مهم بررسی می‌شود که به صورت مستقیم بر انگیزه و امکان ارسال مقاله از سوی پژوهشگران تأثیرگذار می‌باشند.

۲-۱- محدود بودن دامنه انواع و موضوعات مورد پذیرش

بسیاری از مجلات علمی کشاورزی، به‌ویژه نشریات دانشگاهی یا وابسته به نهادهای پژوهشی، تنها مقالات پژوهشی کامل (Original Research Articles) را در دستور کار دارند و از پذیرش انواع دیگر مقاله مانند مرور سیستماتیک، مقاله کوتاه، گزارش میدانی مستند، گزارش پروژه یا یادداشت فنی خودداری می‌کنند. این سیاست، هرچند ممکن است با هدف حفظ کیفیت علمی اتخاذ شده باشد، در عمل به حذف بخش بزرگی از پژوهش‌های کاربردی و یا مسئله‌محور منجر می‌شود؛ پژوهش‌هایی که به‌ویژه از سوی کارشناسان میدانی، پژوهشگران جوان، یا پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد تولید می‌شوند. بی‌شک تنوع اشکال مقاله، بخشی از واقعیت علمی امروز است و تمرکز صرف بر مقاله پژوهشی کامل، بسیاری از مسیرهای مؤثر تولید علم را نادیده می‌گیرد.

۲-۲- طولانی بودن فرایند داوری و چاپ

یکی از مهمترین عوامل بازدارنده در ارسال مقاله به مجلات داخلی، طولانی بودن فرایند ارزیابی، تصمیم‌گیری و چاپ نهایی مقاله است. بسیاری از مجلات تخصصی کشاورزی در ایران، به دلیل کمبود داوران فعال، ساختار اجرایی محدود، یا نبود سیستم مدیریت علمی پیشرفته، فرایند داوری کند دارند. بررسی تجربی نشان می‌دهد که زمان متوسط داوری اولیه در برخی مجلات علمی کشاورزی در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی (۲ تا ۳ ماه)

طولانی تر است. این تأخیر، به‌ویژه برای دانشجویان در آستانه دفاع، متقاضیان ارتقاء علمی، یا افرادی که زمان‌بندی مشخصی برای ارائه مقاله دارند، به‌عنوان مانع روانی و عملی جدی تلقی می‌شود.

۲-۳- فقدان تعامل علمی پیرامون مجله و دیده‌نشدن در فضای علمی

مجله علمی، صرفاً یک پلتفرم برای نشر مقالات نیست؛ و در حالت ایده آل خود باید به‌عنوان هسته‌ای برای تعامل و تبادل تجربه و گفتمان علمی شناخته شود. بسیاری از مجلات تخصصی کشاورزی فاقد رسانه علمی در فضای مجازی، ارتباط با انجمن‌های علمی یا دانشجویی، و نشست‌های ترویجی یا انتشار شماره‌های ویژه علمی با موضوعاتی چون مشکلات روز کشاورزی هستند. در غیاب این عناصر، حس تعلق علمی به مجله از بین می‌رود و نویسنده صرفاً به آن به‌عنوان «محل برای چاپ مقاله» نگاه می‌کند، نه یک نهاد علمی پویا. این نگاه سطحی، باعث می‌شود در زمان تصمیم برای ارسال مقاله، مجلات فعال‌تر و شناخته‌شده‌تر (مانند مجلات ضعیف‌تر بین‌المللی) ترجیح داده شوند.

۲-۴- نبود مشوق‌های مؤثر برای نویسندگان و داوران

نویسندگان و داوران، نقش کلیدی در پویایی مجله ایفا می‌کنند؛ با این حال، در بسیاری از نشریات داخلی، هیچ مشوقی برای ارسال مقالات برتر (مثلاً انتشار سریع‌تر، جایزه بهترین مقاله، دیده‌شدن بیشتر) در نظر گرفته نمی‌شود. داوران فعال نیز بدون دریافت گواهی معتبر یا امتیاز خاص، بار سنگین ارزیابی علمی را بر عهده دارند. در نتیجه، بتدریج کیفیت داوری افت کرده، تأخیرها بیشتر شده و فرایندهای اجرایی از پویایی می‌افتند. طبق پیشنهادات COPE (2017)، شناسایی، تشویق و تقویت ارتباط با داوران علمی، پیش‌نیاز بقای کیفی نشریات علمی در جهان امروز است. (Cope, 2017)

۳-۳- دلسردی و خروج تدریجی پژوهشگران از همکاری با مجلات داخلی.

در غیاب حس تعلق، شفافیت ساختاری و سازوکارهای حمایت، بسیاری از پژوهشگران، به‌ویژه نسل جوان، انتشار در مجلات داخلی را جزو اولویت‌های علمی خود نمی‌دانند. این روند باعث خروج بی‌سر و صدای آنان از تعامل با مجلات ایرانی شده و در بلندمدت به فروپاشی شبکه علمی داخلی در رشته‌های تخصصی مانند بیماری‌شناسی گیاهی خواهد انجامید.

۳-۴- قطع پیوند علم با میدان و انفعال نهاد علم

اگر مجلات نتوانند داده‌های پژوهشی بومی را جذب و منتشر کنند، نه تنها نهاد دانشگاه، بلکه میدان کشاورزی نیز از دریافت دانش کاربردی محروم خواهد شد. این شکاف، در بلندمدت به افزایش وابستگی به دانش بیرونی، تصمیم‌گیری‌های فاقد پشتوانه داده‌ای، و بی‌اعتمادی میان پژوهشگر و بهره‌بردار می‌انجامد. بحران کاهش مقالات ورودی، بر تمام زنجیره تولید و انتشار دانش در کشاورزی ایران تأثیر می‌گذارد: از دانشگاه تا مجله، از پژوهشگر تا مزرعه. بنابراین، احیای ورودی علمی مجلات، نه تنها برای بقای نشریه، بلکه برای حفظ انسجام جامعه علمی کشور حیاتی است.

نتیجه‌گیری

کاهش کمی و کیفی مقالات ورودی به مجلات علمی کشاورزی، نه یک پدیده مقطعی بلکه نشانه‌ای از اختلالات بنیادین در نظام آموزش، پژوهش و نشر کشور است. ترکیب عواملی چون افول انگیزه دانشجویان نخبه، ضعف حمایت مالی، انزوای ساختاری مجلات و ناترازی انتظارات علمی با واقعیات میدانی، سبب شده‌اند تا مجلات داخلی دیگر گزینه نخست نویسندگان نباشند. بازسازی این چرخه نیازمند اصلاحات هم‌زمان در سطح سیاست‌گذاری، ساختار مجلات و تعاملات علمی است. تنها با نگاهی واقع‌گرایانه، مشارکت

۳- پیامدهای کاهش ورودی مقاله بر آموزش، نشر علمی و آینده پژوهش کشاورزی

کاهش مستمر مقالات ورودی به مجلات علمی حوزه کشاورزی، صرفاً یک پیام آماری نیست، بلکه بازتاب اختلال در چندین زیرساخت کلیدی آموزش و پژوهش است. این روند، در صورت تداوم، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر کیفیت آموزش، ارتقاء اعضای هیئت علمی، جایگاه بین‌المللی مجلات، و آینده پژوهش مسأله‌محور در کشور بر جای گذارد.

۳-۱- تضعیف چرخه آموزش پژوهش محور در تحصیلات تکمیلی

مجلات علمی، به‌ویژه در حوزه‌های تخصصی، یکی از خروجی‌های اصلی پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و رساله‌های دکتری هستند. کاهش تعداد مقاله‌های پذیرش شده، یا افزایش سخت‌گیری بدون حمایت ساختاری، عملاً انگیزه تولید پایان‌نامه‌های پژوهشی را کاهش می‌دهد. این موضوع به‌ویژه در دانشگاه‌های غیرمرکزی که دسترسی به منابع و امکانات محدودتر است، به تضعیف جدی آموزش پژوهش‌محور و در نهایت به تکراری و بی‌اثر شدن پایان‌نامه‌ها منجر شده است.

۳-۲- تهدید جایگاه بین‌المللی و نمایه‌سازی مجلات تخصصی

یکی از معیارهای مهم در ارزیابی مجلات برای نمایه‌شدن در پایگاه‌هایی نظیر Scopus، ESCI یا DOAJ، ثبات انتشار، کیفیت مقالات، استنادپذیری، و تنوع محتوایی است. کاهش مقالات ورودی و چاپ تعداد محدودی مقاله در هر شماره، مجله را از نظر کمی و کیفی در وضعیت شکننده قرار می‌دهد. بر اساس Scientific Publications (2024) چاپ مقالات با کیفیت پایین و فاقد ارتباط علمی کافی، سیاست‌های مشکوک هیئت تحریریه، خوداستنادی بیش‌ازحد و نقض استانداردهای اخلاقی از دلایل اصلی حذف مجلات از نمایه اسکوپوس برشمرده شده‌اند (Scientific, 2024).

تشکر و قدردانی

از آقای دکتر محمد جوان نیکخواه استاد بیماری شناسی گیاهی، گروه گیاهپزشکی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران و سردبیر مجله دانش گیاهپزشکی ایران و سرکار خانم دکتر زهرا تنهامعافی دانشیار، بخش تحقیقات نمات‌شناسی موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور، و مدیر داخلی مجله بیماری‌های گیاهی ایران برای ارسال آمار مقالات ورودی مجلات تابعه قدردانی می‌گردد.

همچنین در جمع آوری و تنظیم اطلاعات نگارش نسخه اولیه این مقاله از ابزار هوش مصنوعی استفاده شده است. نگارنده مسئولیت کامل علمی و اخلاقی محتوای نهایی را بر عهده دارد.

فعال جامعه علمی و همگرایی بین دانشگاه، صنعت و مجلات می‌توان به احیای نقش مؤثر مجلات تخصصی در ارتقاء کشاورزی کشور امیدوار بود.

تعارض منافع

نویسندگان تایید می‌کنند که این تحقیق در غیاب هر گونه روابط تجاری یا مالی می‌تواند به عنوان تضاد منافع بالقوه تعبیر شود، انجام شده است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- Cope. (2017). *COPE Ethical Guidelines for Peer Reviewers*. [Link]
- Isna. (2020). A Brief Overview of Existing Challenges in Research Budgeting. *isna.ir/xdHk36*
- Pouratashi, M. (2020). Trends in Iranian agricultural education articles: A five-year look. *International Journal of Agricultural Management and Development, 10(3)*, 219-232. [Link]
- Pouris, A. E., & Pouris, A. (2015). An assessment of South Africa's research journals: Impact factors, Eigenfactors and structure of editorial boards. *South African Journal of Science, 111(3/4)*, 1-8. [Link]
- Scientific, P. (2024). *Excluding journals from Scopus for June 2024*. [Link]
- Shah Vali, M., & Abedi Sarvestani, A. (2014). Factors Influencing the Interest and Academic Talent of Students in Agricultural Fields in Iran. *Quarterly Journal of Agricultural Education Management Research, 30*, 16-30. [Link]
- Vose, P. B., & Cervellini, A. (1983). Problems of scientific research in developing countries. *IAEA Bulletin, 25(2)*, 37-40. [Link]
- Zarafshani, K., Sharafi, L., Binaeyan, A., Malek Hosseini, A., Noroozi, M., & Heydari, H. (2016). Investigating the Causes of Student Withdrawal from Studies: A Case Study of Razi University in Kermanshah. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 22(1)*, 19-43. [Link]